روزنامه اقتصادی صبح ایران

صنعت جهان

WORLD OF INDUSTRY

ویژه نامه پایان سال ۹۰ | ضمیمه رایگان

چهارشنبه ۲۴اسفندماه ۱۳۹۰| سال هشتم| شماره ۲۲۰۰

مشکلات حل نشدنی اقتصاد

سالی که دولت بازار دونرخی ارز را پذیرفت

صنعتگران از آینده می گویند

تخلف مالی که از گاوداری شروع شد

جرایم سفید، چشم اسفندیار اقتصاد ایران

گفت و گوی اختصاصی با کارلوس کی روش

با آثار و گفتاری از:

محسن رنانی

فرشاد مومنی

بهمن آرمان

یحیی آل اسحاق

محمد نهاوندیان

رامین مهمانپرست

احمد نعمت بخش

سیامک صمیمی دهکردی

حسین هاشمی

حمیدرضا کاتوزیان

موسی الرضا ثروتی

فاضل موسوی

شهریار کهن زاد

محمد درویش

و ...

طرح جلد: مهرداد سکزیان / اجرا: بهزاد اردبهشت

ویژه‌نامه نوروز ۱۳۹۱

صنعت جهان
WORLD OF INDUSTRY

مدیر مسوول: محمدرضا سعدی
سردبیر: خاطره وطن خواه
دبیر تحریریه: مسعود سلیمی
همکاران تحریریه: مژگان فرجی - الهه بیگی
ستاره شهریاری - هادی مومنی - زیبا ورمزیاری
محبوبه حقیقی - مرجان محمدی - لیلا ناطقی
مریم بابایی - پروانه کُبره - سید ابراهیم علیزاده
رسول مجیدی - مریم سادات خرمگاه
صبا آذر پیک- محمد حسین مهرزاد
سید آمنه موسوی - دیبا داودی - فرشید فتاحی
پویا علی پناه -سمانه سادات خرمگاه
مدیر هنری : بهروز حاتمی امین
صفحه آرایی: مهدی میرعبدلی- سمیه حاتمی امین
عکس : مهرداد نیکروان
ناظر فنی چاپ و اجرای جلد: مهیار اردیبهشت
ویراستاری: نسیم جلالی- سارا عمرانی‌پارچین
سولماز لهی- مریم رستار- سمیه همتی
حروفچینی: مهشید فرجی - اعظم متولی
سیما گلوله‌ریز- سمیرا گلوله‌ریز- عیسی نجفی
مدیر روابط عمومی: غلامرضا غفارزاده
امور آگهی : جمال امیری - معصومه فتحی
نشانی: خیابان استاد نجات الهی- خیابان اراک - پلاک ۶۰
تلفن: ۱۴-۸۸۹۳۲۵۱۰
نمابر: ۸۸۹۳۲۵۱۰
www.jahanesanat.ir
لیتوگرافی و چاپ: ایرانچاپ

بهاریه

مرا به باغ بخوان

مسعود سلیمی

سالی دیگر هم تمام شد و سال نو منتظر است با آمدن بهار حضور خود را اعلام کند.

سالی دیگر هم رفت، سالی که اگر به پشت سرش نگاه کنیم، با فراز و نشیب‌های زیادی همراه بود، سالی که قرار است کوله‌بار سختی‌ها و نابسامانی‌هایش را برای بهار، برای سال ۹۱ به ارمغان بگذارد.سال ۹۰ را از هر طرف که بنگریم با رنج، جنگ، قحطی و آوارگی همراه بود و کمتر پیش می‌آمد، خبرها خوش باشد و نوید بخش. سال ۹۰ در شرایطی رو به پایان است که جهان با بحران مالی، دشواری‌های اقتصادی، جنگ و خونریزی دست و پنجه نرم می‌کند، خاورمیانه از عراق و سوریه گرفته تا افغانستان و فلسطین، روزگار خوشی را تجربه نمی‌کند.

سال ۹۰ از سویی اما شاهد تداوم سقوط نابودی دیکتاتورها بود، صحنه دستگیری قذافی، یکی از قاب‌های ماندگار سال ۹۰ به حساب می‌آید.در سال ۹۰ کشورمان هم از برخی مشکلات جهانی و بعضی کمبودهای داخلی در امان نماند تا آمدن سال نو و بهار برای بسیاری با شادباش همراه نباشد.با همه این تفاصیل، با همه مشکلات و گاه تیره‌روزی‌هایی که سال ۹۰ با خود همراه داشت، بهار همچنان فصل رستن و شکفتن باقی خواهد ماند تا جایی که به قول حمید مصدق «مرا به باغ بخوان مرا به روشنی باغ دعوت کن».واقعیت این است که در کنار تمام ابرهای تیره‌ای که آسمان جهان را فرا گرفته حضور بهار خود بخششی است که باید قدر آن را دانست.برای من ایرانی، عطر بهار نارنج‌های شیراز هنوز بوی زندگی، بوی عشق و بوی امید می‌دهد.سال ۹۰ هرچه بود تمام شد، اینک نوبت سال ۹۱ است که باید دید چه گلی بر سر ما می‌زند.من به نوبه خودم آرزو می‌کنم و امیدوار هستم کبوتر سفید صلح بر فراز جهان و بر فراز ایران زمین به پرواز درآید. این بهاریه از سر ناچاری کمی تلخ از کار درآمد، اما به قول عمران صلاحی:

«هر درختی در خاک قصه شیرینی است و زمین قصه ناگفته فراوان دارد»

حضور بهار بر همگان مبارک باد

با سلام عالی

نامگذاری سال ۹۰ به نام «جهاد اقتصادی»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی با انتخاب نام «جهاد اقتصادی» برای سال ۹۰، در سخنانی بیان کردند که اگرچه در کشور کارهای اساسی و ضروری باید انجام شود اما صاحبنظران معتقدند یکی از مسایل دارای فوریت و اهمیت بیشتر در این برهه از زمان، مسایل اقتصادی و حرکت جهادگونه در این عرصه است زیرا اگر نظام اسلامی توانایی خود را در حل مشکلات اقتصادی به دنیا و همه ملت‌ها نشان دهد، این موضوع در پیشرفت کشور و عزت ملت ایران تاثیر بسیار زیادی خواهد داشت.

یادداشت

سوءمدیریت‌ها و مشکلات حل نشدنی اقتصاد

محمدرضا سعدی*

سال ۹۰ براساس نام‌گذاری که مقام معظم رهبری به روال هر سال مرقوم می‌فرمایند، سال «جهاد اقتصادی» نام گرفت. این نام‌گذاری به آن معنا بود که دولت تلاش خود را برای توسعه کشور به کار بگیرد، بر تکمیل زیربناهای اقتصادی اهتمام بورزد و مهم‌تر از آن موجبات رشد اقتصادی کشور و رفع معضل بیکاری را فراهم آورد. اینک که به پایان سال ۹۰ نزدیک می‌شویم، با ورق زدن کارنامه دولت و با در نظر گرفتن نام‌گذاری این سال، آنچه نتیجه حاصل می‌شود متاسفانه هیچ نسبتی با فرمایشات مقام معظم رهبری ندارد. دولت در سالی که باید بیشترین توجه خود را به توسعه اقتصادی مبذول می‌کرد با سیاست‌های غلط پولی بازار را با مشکلات بزرگی مواجه کرد که نتوانست از این مشکل سربلند بیرون بیاید. آقای احمدی‌نژاد هنگامی که در سال ۸۴ رییس‌جمهور شد، کشور از لحاظ منابع درآمدی در شرایط نسبتا خوبی قرار داشت، بنا به گزارش‌های رسمی ایشان دولت را با حدود ۲۳ میلیارد دلار پس‌انداز در حساب ذخیره ارزی تحویل گرفت. در تمام سال‌هایی که ایشان دولت را در دست داشته، یعنی از سال ۸۴ تاکنون بهترین سال‌های درآمد نفت در تاریخ کشور بوده است. یک حساب سرانگشتی بدون ارایه آمار دقیق از درآمدهای نفت طی هفت سال گذشته نشان می‌دهد که دولت طی این مدت حدود ۷۰۰ میلیارد دلار درآمد از طریق فروش نفت به دست آورده که این رقم در تاریخ کشور بی‌سابقه بوده است. از همان زمان که درآمد نفت اوج می‌گرفت، کارشناسان اقتصادی و بسیاری از نمایندگان دو دوره مجلس هفتم و هشتم به دولت هشدار دادند که این درآمد نفت را صرف توسعه زیربناهای اقتصادی کند، حال آنکه دولت به این هشدارها وقعی نمی‌گذاشت. از روزی که نامه‌های معروف اقتصاددانان به رییس‌جمهور ارسال شد، تا به امروز زمان زیادی نگذشته است. آنها هشدار داده بودند که اگر درآمد نفت در راه درست صرف نشود، مشکلات ساختاری در اقتصاد ایران پدید خواهد آمد و اینک به روشنی پیداست که این هشدارها امروز به حقیقت پیوسته است.

نمونه روشن آن در بازار ارز رخ داده، هرچند دولت تلاش می‌کند این مشکل را به عوامل خارجی نسبت دهد اما حقیقت چیز دیگری است. در سال ۸۶ که قیمت مسکن ناگهان جهش کرد و نرخ تورم به ۲۵ درصد رسید، دولت عنوان می‌کرد که این تورم منشای خارجی دارد، این درحالی بود که عوامل دیگری همچون پرداخت وام‌های کلان و تبدیل دلارهای نفتی به ریال موجب شکل گرفتن حجم نقدینگی شده بود که این نقدینگی همچون گرداب هرلحظه یک بخش از کشور را درگیر می‌کرد. هشدار کارشناسان آن زمان اثر نداشت و دولت کماکان سیاست تبدیل دلارهای نفتی به ریال را در پیش گرفته و پیش می‌رفت تااینکه به تدریج میزان درآمدهای نفتی هم افزایش یافت. نگاهی به برخی تحولات قیمتی در اقتصاد ایران به روشنی اثبات می‌کند که یک جایی از سیاست‌گذاری اقتصادی در این سال‌ها لنگ می‌زند. به عنوان مثال پس از اوج‌گیری قیمت مسکن در سال ۸۶ امسال مجددا بازار مسکن گرفتار افزایش قیمتی دیگر شده است. به باور کارشناسان اقتصادی موج دیگر بحران که از اواخر سال ۹۰ شروع شده در سال آینده به اوج خود خواهد رسید. متوسط قیمت مسکن طی سال‌های اخیر به ۴/۵ میلیون تومان در هر متر مربع رسیده است. نرخ ارز از ۸۳۰ تومان در سال ۸۴ به ۱۹۰۰ تومان طی روزهای اخیر رسیده است. قیمت بسیاری دیگر از اقلام خوراکی و مایحتاج اولیه زندگی هم به همین منوال دستخوش تغییر شده است. سالی که این روزها نفس‌های آخر خود را می کشد، اوج بحران‌های اقتصادی در دولت آقای احمدی‌نژاد محسوب می‌شود، سالی که نرخ ارز چنان نوسانی پیدا کرد که بازار در بسیاری از موارد به راحتی توانست دولت را آچمز کند.

حتی سیاست‌هایی مثل بمب ارزی یا فرافکنی مشکل ارز به مسایل دیگری چون تحریم‌ها یا بزرگنمایی رسانه‌ها نیز نتوانست مشکل بحران ارزی کشور را حل کند. سیاست‌های کوتاه‌مدتی مانند بگیر و ببند صرافی‌ها یا کاهش ارز مسافرتی هم بی‌تردید اقدامات پیشگیرانه‌ای نیست که بتواند در بلندمدت بحران ارزی کشور را حل کند. برنامه‌هایی که دولت طی سال‌های اخیر در مدیریت کلان کشور به اجرا گذاشته از هدفمندی یارانه‌ها گرفته تا طرح سهام عدالت یا مسکن مهر همگی شبیه مسکن‌هایی بوده که تنها برای مدت کوتاهی بیماری اقتصاد ایران را درمان می‌کند. ریشه‌یابی علل بزرگ‌تر شدن مشکلات اقتصاد کشور تنها و تنها به یک نتیجه رهنمون می‌شود و آن بی‌ثباتی و سوءمدیریت در اقتصاد کشور است، مشکلی که می‌شد به راحتی و با یک سیاست‌گذاری درست و یک مدیریت باثبات حل شود، چنان درگیر پیچ و خم اداری و توصیه‌های غلط شده که این روزها حل کردن ساده‌ترین مشکلات اقتصادی به مثابه حل بحران‌های بزرگ در سطح بین‌المللی است، در حالی که اگر دولت به توصیه‌های اقتصاددانان و نمایندگانی که بارها از تریبون مجلس، دولت را خطاب قرار می‌دادند گوش می‌داد، اینک در حل ساده‌ترین مشکلات اقتصادی درمانده نمی‌شد.

* مدیرمسوول

فهرست

دیپلماسی فعال ۳۱
در گرو اجرای اصل «۴۴»

جرایم سفید
۳ چشم اسفندیار اقتصاد ایران

نادر، سیمین و اصغر نازنین ما ٤٤

دخالت دولت
۷ در بازار طلا و سکه متعارف نبود

بار ۷۵ میلیون ایرانی ٥٤
روی دوش من است

خداحافظی با خودروهای قدیمی تا
۱۳ پایان سال ۹۴

دکتر رنانی از موانع سرمایه‌گذاری می‌گوید

جرایم سفید، چشم اسفندیار اقتصاد ایران

سیدابراهیم علیزاده

به اعتقاد محسن رنانی، اقتصاددان، جرایم سفید اصلی‌ترین مانع سرمایه‌گذاری کارآفرینان در ایران است. دانشیار دانشگاه اصفهان جرایم سفید را یکی از مشکلاتی می‌داند که یکصد سال است گریبانگیر اقتصاد ایران شده و در سه دهه اخیر تشدید شده است. وی که مدتی پیش در تبریز در میزگردی با عنوان «جرایم تاثیرگذار بر سرمایه‌گذاری» سخن می‌گفت، موضوع سخنرانی خود را «تاثیر جرایم سفید بر سرمایه‌گذاری» عنوان کرد. رنانی در ابتدا یادآور شد که منظور از جرایم سفید، جرایم مربوط به یقه‌سفیدها نیست و مقصود نوعی از جرایم است که می‌توان در ردیف جرایم سیاه، خاکستری و زرد شناسایی کرد. رنانی که اخیرا کتابش با عنوان «چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد» توسط انتشارات طرح نو منتشر شده است، عامل این جرایم سفید را مرتبط با خطاهای مقامات و رفتارهای بی‌ضابطه سیاست‌گذاران کشور ذکر و تصریح کرد: امروز مساله ما در حوزه سرمایه‌گذاری، جرایم سفیدی است که هزینه مبادله به وجود می‌آورند و آنقدر این هزینه مبادله‌ها افزایش پیدا کرده‌اند که «ریسک» به «نااطمینانی» تبدیل شده و عقلانیت ما را از ابزاری به معنایی تبدیل کرده است.

به گفته وی، همین تغییر عقلانیت از ابزاری به معنایی باعث شده هر چند سود یک فعالیت اقتصادی در بخشی از اقتصاد ایران نسبت به کشورهای دیگر بیشتر باشد اما عقلانیت معنایی اجازه ندهد که سرمایه وارد ایران شود. رنانی این نوع رفتار را ناشی از همان جرایم سفید می‌داند که هزینه مبادله در ایران را افزایش داده است. وی در این مورد متذکر شد: برخی خطاهای فکری در سیاست‌گذاری‌های کشور ما وجود داشته که هرچند تلاش کردیم اصلاح شود اما سیاستمداران گوش شنوا ندارند.

اقتصاد مستقل از سیاست و جامعه نیست

از نگاه این استاد دانشگاه، مقامات کشور فکر می‌کنند اقتصاد عرصه مستقل از سیاست و جامعه است، درحالی که هر تحولی در جامعه و سیاست بر متغیرهای اقتصادی کشور اثر می‌گذارد. به همین دلیل است که به گفته وی، آن زمان که در سال ۸۲ وقتی مجلس شورای اسلامی از او درباره اجرای طرح ضربتی اشتغال نظر خواسته بود وی صراحتا پیش‌بینی کرد که این طرح طی تنها چند ماه پس از اجرا با شکست مواجه می‌شود. علت را رنانی این گونه عنوان کرده بود: اگر یک برگه سفید به هر یک از سران قوای کشور داده شود و به آنان گفته شود پنج اولویت ملی را بنویسند، می‌بینیم که این اولویت‌ها یکی نیستند. برای اینکه سیاست‌های کلان ما با شکست مواجه نشود باید هم در مورد اولویت‌های ملی خود یک رتبه‌بندی شفاف داشته باشیم وهم قوا به آن پایبند باشند. مثلا اگر برای کشور ما اشتغال اولویت اول را دارد، آنگاه اولویت انرژی هسته‌ای، مبارزه با صهیونیست و موارد دیگر باید ذیل اشتغال قرار گیرد. یا اگر مبارزه با تهاجم فرهنگی، هدف یا اولویت اول کشور ماست، بقیه اهداف باید ذیل آن باشند یعنی نباید اقدامات ما برای تحقق اهداف درجه دو و سه به مانعی برای تحقق هدف درجه اول ما تبدیل شود. اما اکنون قوای کشور دارند با هم به گونه‌ای متضاد کار می‌کنند و فعالیت‌های یکدیگر را خنثی می‌کنند. در چنین شرایطی هیچ هدفی محقق نمی‌شود. رنانی افزود: یکی از خطاهای مهم مقامات کشور ما این است که گمان می‌کنند اگر بذر پول بپاشند می‌توانند اشتغال درو کنند، در حالی که با بذر پول اشتغال به وجود نمی‌آید و پول تنها به عنوان روغنی برای چرخ‌دهنده‌های اقتصاد عمل می‌کند. شرط اول این است که این چرخ‌دنده‌ها به‌گونه‌ای درست در کنار هم قرار گرفته باشند.

وی در ادامه در مورد رشد سرمایه‌گذاری، شرط اول را وجود سه ویژگی در یک حکومت ذکر کرد و افزود: برای افزایش سرمایه‌گذاری باید دولت یا حکومتی حاکم باشد که اولا یکپارچه باشد و ثانیا سه ویژگی عقلانیت، نیکخواهی و کارآمدی را داشته باشد. می‌توانیم اسم دولتی با این ویژگی‌ها را دولت کلاسیک یا معیار بگذاریم.

به گفته این استاد اقتصاد، به حکومتی که هر پاره‌اش یک نوع رفتار کند و قدرت میان گروه‌های معارض تقسیم شده باشد، حکومت نفوذهای ناهمگن می‌گویند و فرض علم اقتصاد این است که حکومت از جنس نفوذهای ناهمگن نباشد. رنانی ادامه داد: اگر حکومتی یگانه یا یکپارچه باشد آنگاه امکان تحقق سه ویژگی عقلانیت، نیکخواهی و کارآمدی در آن وجود خواهد داشت. در مورد این حکومت است که علم اقتصاد می‌گوید اگر فلان سیاست را بگذارد فلان نتیجه را می‌دهد و با چنین دولتی اقتصاد خوب کار خواهد کرد.

وی در مورد این مقدمات، با تقسیم وظایف دولت به حاکمیتی و تصدی‌گرانه اظهار کرد: اصولا دولت برای اعمال وظایف حاکمیتی به وجود آمده است. دولت به وجود نیامده که سد بزند یا کارخانه بسازد. هدف غایی پیدایش دولت‌ها در تاریخ اعمال وظایف حاکمیتی بوده است. اقتصاد نو نیز وظایف حاکمیتی دولت را تایید می‌کند و می‌گوید که اگر دولت خوب کار نکند اقتصاد خوب کار نمی‌کند.

دانشیار دانشگاه اصفهان معتقد است: اولین وظیفه دولت توجه به امنیت خارجی و نظم داخلی و دومین وظیفه دولت، انتشار و حفظ ارزش پول است چراکه اگر امنیت نباشد مردم از خانه خود بیرون نمی‌روند تا کار و فعالیت کنند و اگر پول و ثبات ارزش پول نباشد مردم همواره نگران هستند که در معاملات، ثروت خود را از دست بدهند و بنابراین دست به معامله و مبادله نمی‌زنند. رنانی وظیفه سوم دولت را تعریف استانداردها ذکر کرد و افزود: اگر استاندارد نباشد در مبادلات میان مردم مشکلات فراوانی برای تعیین ارزش و کیفیت کالاها پیش خواهد آمد و مردم نمی‌توانند به کیفیت و کمیت کالایی که می‌خرند اعتماد کنند و به همین خاطر حجم مبادلات کاهش می‌یابد. علاوه بر اینها چهارمین وظیفه دولت، تعریف حقوق مالکیت است. وی در همین مورد خاطرنشان کرد که ۸۰ درصد سرمایه ایرانیان به صورت زمین و مستغلات است که ممکن است به علت فقدان اسناد مالکیتی استاندارد، حقوق مالکیتی آنها به خوبی حفاظت نشده باشد و بنابراین نمی‌تواند در چرخه اقتصادی به خوبی نقش ایفا کند.

این استاد دانشگاه پنجمین وظیفه دولت را استقرار یک دادگستری کارآمد با پنج ویژگی سریع، ارزان، قاطع، بی‌طرف و همه جا در دسترس عنوان کرد و گفت: اگر این پنج وظیفه را دولت خوب انجام داد، بعد از آن مانعی ندارد که برود مثلا جاده بسازد و سد بزند و نظایر اینها. اما اگر وظایف حاکمیتی خود را به خوبی انجام نداد حق ندارد وارد این نوع فعالیت‌های تصدی‌گرانه یا سیاست‌گذاری اقتصادی شود. مثلا اقتصاد می‌گوید اگر نرخ ارز خارجی بالا برود میزان صادرات افزایش می‌یابد اما وقتی این اتفاق می‌افتد در ایران این‌گونه نمی‌شود، در حالی که در دنیا نرخ ارز که یک درصد بالا می‌رود صادرات چند درصد افزایش می‌یابد. وی در این مورد یادآور شد: در اوایل دهه ۷۰ شمسی، نرخ ارز طی دو سال از هفت تومان به ۱۴۰ تومان افزایش یافت اما صادرات ما کم شد یا اکنون ظرف چند ماه نرخ ارز دو برابر شده اما صادرات بالا نرفته است. همه اینها به همان علت است که حکومت یا دولت آن ویژگی‌ها را نداشته و وظایف کلاسیک خود را در ایران به خوبی انجام نداده است. علم اقتصاد به صراحت می‌گوید قانون‌های من زمانی جواب می‌دهد که حکومت همه آن ویژگی‌ها را داشته باشد.

رنانی در ادامه در مورد چگونگی پی بردن به اینکه دولتی وظایفش را انجام می‌دهد یا نه، به شاخص «حکمرانی خوب» اشاره کرد و گفت: وقتی شاخص حکمرانی خوب در کشوری بالا باشد می‌توان گفت که دولت دارد وظایفش را به خوبی انجام می‌دهد. به گفته وی، برای محاسبه شاخص‌های حکمرانی خوب از شاخص‌های دیگری استفاده می‌شود؛ نظیر حق اظهارنظر جامعه و پاسخگویی حکومت، ثبات سیاسی و سطح خشونت، کارآیی دولت، کیفیت قوانین و مقررات و کنترل فساد. وی خاطرنشان کرد که طبق آخرین اخبار، ایران از نظر شاخص‌های حکمرانی در میان ۱۸۰ کشور جهان رتبه‌ای بین ۱۲۰ تا ۱۳۰ را داراست.

دولت وظایف حاکمیتی خود را رها کرده است

وی با بیان اینکه دولت در ایران وظایف اصلی و حاکمیتی خودش را رها کرده و به وظایف ثانویه می‌پردازد، تصریح کرد: «این مسایل که اتفاق می‌افتد هزینه‌های مبادله در اقتصاد افزایش می‌یابد.» رنانی در ادامه با تعریف از انواع هزینه‌ها گفت: در تولید یک بخشی از هزینه‌ها مربوط به تولید است که با عناوینی چون هزینه‌های سرمایه‌ای، جاری، متغیر و سربار نامیده می‌شوند و به همه اینها هزینه‌های تولید می‌گویند. در کنار این، یک دسته هزینه‌ها، هزینه‌های فرصتی هستند که هزینه‌های عدم‌النفع محسوب می‌شوند یعنی اگر با انجام کاری فرصت انجام کاری دیگر را از دست داده‌ایم آن فرصت از دست رفته، در واقع «هزینه فرصت» محسوب می‌شود. مثلا با خرید زمینی، فرصت خرید طلا و استفاده از افزایش قیمت آن را از دست می‌دهیم. اما دسته سوم هزینه‌های مبادله هستند. وی

در مورد هزینه‌های مبادله توضیح داد: مثلا برای ساختن میزی در یک کارخانه، مجموعه هزینه‌های ساخت میز را هزینه تولید می‌گویند. برای ساخت آن میز نباید بیش از میزانی که لازم است هزینه صرف کنیم و هزینه مشخصی باید برای آن بدهیم. حالا فرض کنید آن میز ساخته شده و تولیدکننده بابت فروش آن، چکی از خریدار می‌گیرد و میز را تحویل می‌دهد.

اکنون اگر در سررسید چک، مبلغ چک در حساب نبود و چک وصول نشد هزینه‌هایی را که باید بدهد تا چک وصول شود هزینه‌های مبادله می‌نامیم یعنی هزینه‌هایی که هنگام مبادله و معامله بر ما تحمیل می‌شود. مثلا اکنون تولیدکننده میز باید دنبال وکیل بگردد و به دنبال اقدامات حقوقی برود تا در نهایت آن چک وصول شود طی این مدت قرار بود تولیدکننده میز با این پول، مواد اولیه بخرد و مجددا میز دیگری تولید کند که این فرصت را هم از دست می‌دهد.

همه این هزینه‌ها حقوقی و زمان از دست رفته هزینه بر می‌دارد که جز هزینه مبادله محسوب می‌شود. به اینها می‌گویند هزینه مبادله چون وقتی تولیدکننده متحمل آنها می‌شود که می‌خواهد محصول خود را مبادله کند. در مجموع هزینه‌های مبادله هزینه‌هایی هستند که ما وقتی می‌خواهیم حقوق مالکیت خودمان را حفاظت کنیم، مجبور هستیم صرف کنیم.

اقتصاد ایران انباشته از هزینه مبادله است

این اقتصاددان در ادامه با بیان اینکه اقتصاد ایران انباشته از هزینه مبادله است، عنوان کرد: پنج وظیفه مورد اشاره دولت نیز برای همین است که هزینه‌های مبادله به بخش‌خصوصی تحمیل نشود. وظایف حاکمیتی دولت‌ها برای کاهش هزینه‌های مبادله است اما در ایران، دولت خودش عامل اصلی افزایش هزینه‌ها دولت است. وی با یادآوری اینکه منظورش از دولت، کل حکومت یا بخش‌های مختلف نظام سیاسی است، افزود: مشکل اقتصاد ما این است که در دریایی از هزینه مبادله افتاده‌ایم. وقتی دولت آن ویژگی‌ها را ندارد، چیزی به نام هزینه مبادله در اقتصاد پدید می‌آید که کنترل آن دست تولیدکننده نیست. مساله امروز اقتصاد ایران، هزینه مبادله است.

اکنون شاخص فضای کسب و کار که سالانه محاسبه می‌شود، می‌تواند وضعیت ما در مورد هزینه مبادله را نشان دهد. امسال از نظر شاخص فضای کسب و کار در میان ۱۸۳ کشور جهان، ایران دارای رتبه ۱۴۴ بوده است.

عامل اصلی هزینه مبادله، جرایم سفید است

به اعتقاد رنانی، عامل اصلی افزایش هزینه مبادله، جرایم سفید است و هزینه‌های مبادله به دلیل بالابودن جرایم سفید در ایران اتفاق می‌افتد. وی در ادامه در تعریف جرایم سفید با اشاره به تقسیم بندی جرایم به چهار گروه جرایم سیاه، جرایم خاکستری، جرایم زرد و جرایم سفید توضیح داد: جرایم سیاه جرایم عمدی شدید مثل قتل عمد و دزدی مسلحانه است.

جرایم خاکستری جرایم غیرعمد مانند تصادفات رانندگی، کلاهبرداری و فریبکاری و نظایر اینها را شامل می‌شود. جرایم زرد، جرایم مدیران و کارمندان دولتی یا همان یقه‌سفیدهاست که به صورت عمدی رخ می‌دهد اما از نوع کیفری نیست بلکه حقوقی است. رشوه، رانت‌خواری، پولشویی و صدور مجوزهای غیرقانونی از جمله جرایم زرد است. این سه دسته جرم، عنوان قانونی «جرم» را دارند یعنی قانون آنها را جرم می‌داند و برای آنها در قانون عنوان مجرمانه وجود دارد.

اما یک سری جرایم هستند که به آنها جرایم سفید می‌گویند. اینها اثر جرم دارند اما عنوان مجرمانه ندارند یعنی انجام آنها قانونا جرم نیست و حتی در قانون به آنها اشاره نشده است؛ حالا اینکه قانون‌گذار نخواسته یا غفلت کرده موضوع دیگری است اما به هر ترتیب در قانون جرم شناخته نشده ولی در عمل چنین اقداماتی روی اقتصاد و جامعه اثر جرم دارد. در واقع جرم سفید مثل شکنجه سفید است.

در شکنجه سفید برخلاف شکنجه معمولی کسی را نمی‌زنند، بلکه مثلا او را در حبس انفرادی نگه می‌دارند و روابطش را قطع می‌کنند اما اثر این شکنجه سفید بر جسم و روح زندانی گاهی شدیدتر از شکنجه جسمانی است و در بسیاری مواقع زندانی را به اعتراف دروغین علیه خود وامی‌دارد بنابراین شکنجه سفید شکل ظاهری شکنجه را ندارد اما اثر شکنجه را دارد.

استاد دانشگاه اصفهان اضافه کرد: جرایم سفید هم این‌گونه هستند یعنی اعمالی هستند که ظاهرا غیرقانونی نیستند و تخلفی انجام نشده است اما آن کار اثر یک جرم را دارد. مثلا اینکه یک وزیر زیر قول خود بزند یا مثلا یک معافیتی را که قبلا اعلام کرده بود بعد از مدتی لغو کند، ظاهرا جرم نیست اما اثرش بر اقتصاد همانند جرم است. گاهی هم به علت بالا بودن مقام یک فرد یا خاص بودن موقعیت او امکان طرح یا اعلام جرم علیه او نیست.

مثلا امام‌جمعه‌ای در نمازجمعه فردی را متهم می‌کند که این کار قانونا یک جرم محسوب می‌شود و عنوان قانونی جرم را هم دارد اما امکان اینکه علیه او شکایت شود وجود ندارد، یا دولت برخلاف قانون هدفمندی یارانه‌ها، سهم تولیدکنندگان از یارانه‌ها را نمی‌پردازد که کاری خلاف قانون است اما امکان شکایت از دولت وجود ندارد. وی بار دیگر تاکید کرد که هزینه مبادله در ایران به علت گستردگی همین جرایم سفید است.

تاثیرگذارترین جرایم، جرایم سفید هستند

رنانی در ادامه در مورد اثر انواع جرایم سخن گفت و متذکر شد: اثرات جرایم سیاه بر اقتصاد کم است، مگر اینکه از حد نرمال عبور کند و کشوری مشهور به جرم سیاه شود. مثلا کشوری که مشهور باشد در آن قاچاق اسلحه وجود دارد و گروه‌های گنگستر به راحتی زورگیری و اخاذی می‌کنند.

در چنین کشوری به علت شهره بودن به جرایم سیاه ممکن است کسی علاقه‌ای به سرمایه‌گذاری نداشته باشد. دسته دوم که اثرش بر اقتصاد از اثر جرایم سیاه بیشتر به نظر می‌رسد جرایم خاکستری است. تاثیر تصادفات رانندگی در شهر اصفهان بر سرمایه‌گذاری در این شهر گاهی از دزدی مسلحانه بیشتر است چراکه سرمایه‌گذار عینا خودش این جرایم خاکستری را مشاهده می‌کند اما جرایم سیاه مانند قتل را فقط می‌شنود.

وی ادامه داد: اثر جرایم زرد بر اقتصاد از آن دو نیز بیشتر است مثلا وقتی سرمایه‌گذار برای دریافت مجوزی به اداره‌ای مراجعه می‌کند و پارتی‌بازی‌ها را مشاهده می‌کند، ممکن است اعتمادش را به دستگاه‌های دولتی از دست بدهد و از سرمایه‌گذاری منصرف شود اما در مورد اثر جرایم سفید باید گفت اثر این یکی از همه جرایم بیشتر است چون اثراتش کلان است. وقتی جرم سفیدی رخ می‌دهد اثر کلان می‌گذارد. همه متوجه می‌شوند و ناامنی و بی‌ضابطه‌ای را احساس می‌کنند.

مثلا وقتی یک مقام دست‌چندم و حتی غیرمسوول در مورد رابطه ایران و غرب صحبت می‌کند یا در مورد بستن تنگه هرمز صحبت می‌کند، همه سرمایه‌گذاران احساس ناامنی می‌کنند در حالی که همه تصور می‌کنند جرایم سیاه بیشترین اثر منفی را بر اقتصاد دارد اما این جرایم سفید هستند که بیشترین اثر مخرب را می‌گذارند.

در اقتصاد ایران نااطمینانی جایگزین ریسک شده است

پس از این وی به موضوع ریسک در اقتصاد اشاره کرد و گفت: ما در اقتصاد ریسک داریم و هر سرمایه‌گذاری اگر بخواهد سود ببرد باید ریسک کند. ریسک عنصر ذاتی سود است. مدیران معمولی خیلی اهل ریسک نیستند اما کارآفرینان در حوزه‌های پرریسک کار می‌کنند. فعالیت‌های پر ریسک معمولا دیر جواب می‌دهند اما سودهای انحصاری ایجاد می‌کنند.

اقتصادانان می‌گویند که رشد قرن بیستم ناشی از کارآفرینی است. ما برای رشد اقتصادی، کارآفرینی می‌خواهیم که دارای دو ویژگی خطرپذیری و نوآوری باشد. اشتغال واقعی را کارآفرینان به وجود می‌آورند. مدیرهای معمولی فرصت جدید خلق نمی‌کنند بلکه فرصت‌های موجود فرصتی را کشف می‌کنند. اما کارآفرین فرصت جدید خلق می‌کند.

رنانی در ادامه از شرایطی سخن گفت که ریسک به نااطمینانی تبدیل می‌شود. وی در این مورد توضیح داد: در ریسک عامل مشخص است، مثلا در خرید ارز ریسک تغییر قیمت ناشی از تغییر طبیعی عرضه و تقاضاست اما در مورد نااطمینانی ما نمی‌دانیم که عامل چیست که آن را پیش‌بینی و در محاسباتمان بیاوریم.

مثلا تولیدکننده‌ای که باید مواد اولیه اش را از خارج بیاورد می‌داند ممکن است قیمت جهانی آن مواد تغییر کند و این ریسک را می‌پذیرد اما نمی‌تواند پیش‌بینی کند تا مواد او از اروپا به ایران برسد، رابطه ایران و غرب به هم می‌ریزد و مثلا بیمه حمل‌ونقل موادش چندبرابر می‌شود، این در واقع «نااطمینانی» است.

وقتی که بی‌ثباتی‌ها در اقتصاد زیاد می‌شود و این جرایم سفید افزایش می‌یابند، ریسک‌ها به نااطمینانی تبدیل می‌شوند. ریسک قابل پیش‌بینی است، مثلا گفته می‌شود در کنار هزینه‌های تولید پنج درصد هم برای ریسک کنار گذاشته شود.

اما نااطمینانی این طور نیست و تولیدکننده خبر ندارد که گاهی برخی کارها باعث می‌شود که روابط ایران و غرب به هم بریزد و بسیاری از تولیدکنندگان و صادرکنندگان آسیب ببینند. این کار از نوع جرایم سفید است. این به آن معناست که در این کشور هرکسی می‌تواند به راحتی و با یک اقدام یا یک اطلاعیه سرمایه بسیاری از سرمایه‌گذاران را با خطر روبه رو کند که به این نااطمینانی می‌گویند.

رنانی ادامه داد: وقتی که شرایط کشور از ریسک به نااطمینانی تبدیل می‌شود که البته اکنون وضعیت ایران این‌گونه شده است، دیگر سرمایه‌گذار نمی‌تواند در فضای عقلانی تصمیم‌گیری کند. این اقتصاددان موضوع مدنظر خود را این گونه شرح داد: «تمام محاسبات اقتصادی با عقل معیشتی که عقل ابزاری نامیده می‌شود انجام می‌شوند؛ یعنی همین عقل حسابگر دو دو تا چهارتا کننده‌ای که ما معمولا در تصمیمات روزمره از آن بهره می‌بریم.

علم اقتصاد می‌گوید که یک فعال اقتصادی با عقلانیت ابزاری تصمیم می‌گیرد اما نکته اینجاست که این عقل ابزاری فقط در شرایط نرمال می‌تواند تصمیم‌گیری کند. اما وقتی که از شرایط و محیط اقتصادی از وضعیت دارای ریسک به وضعیت نااطمینانی می‌رود، سرمایه‌گذارهای ما دیگر نمی‌توانند به عقل ابزاری خود تکیه کنند. از آن پس آنان برای تصمیم‌گیری به عقل خود مراجعه نمی‌کنند بلکه به احساس خود مراجعه می‌کنند. یعنی دیگر به سودآوری یک اقدام نگاه نمی‌کنند بلکه معناداری حرکت را می‌سنجند و مثلا می‌گویند اصلا سرمایه‌گذاری در ایران بی‌معناست چون اوضاع باثبات نیست.

سرمایه‌ها به جایی می‌روند که معنادار باشند

رنانی در این مورد این مثال را مطرح کرد که ایرانیان خارج از کشور سرمایه‌هایی دارند که اگر بخواهند در بورس‌های خارجی سرمایه‌گذاری کنند، معمولا چهار تا پنج درصد سود می‌کنند و اگر در بانک‌های خارجی سپرده‌گذاری کنند سود سه تا چهار درصدی خواهند داشت، اما اگر آنها پول خود را به دلار تبدیل کرده و در بانک‌های ایرانی سپرده‌گذاری کنند، می‌توانند سود ۲۰ درصدی دریافت کنند اما آنها این کار را نمی‌کنند چراکه هرچند عقل معیشتی و ابزاری آنها می‌گوید این کار سود بیشتری دارد اما احساس آنها یا عقل معنایی آنها می‌گوید که این کار معنا ندارد.

رنانی در همین مورد بیان کرد: ما وقتی می‌خواهیم برای سرمایه‌گذاری تصمیم بگیریم، اول معناداری آن را ارزیابی می‌کنیم و سپس سراغ سود آن کار می‌رویم. مثلا فرض کنید به استاد دانشگاهی پیشنهاد شود که قصابی راه بیندازد چون خیلی سودآور است اما او ابتدا به این می‌اندیشد که این شغل برایش معنا ندارد و اصلا به مولفه‌هایی مانند سود دیگر نمی‌اندیشد.

سرمایه‌گذارها نیز چنین هستند اول باید یک تصمیم یا ورود به یک فعالیت برای آنها معنادار باشد، بعد آنها به سراغ محاسبات عقلانی در مورد سودآوری آن فعالیت می‌روند.

وی تصریح کرد: وقتی اقتصاد از فضای ریسک به فضای نااطمینانی می‌رسد، «عقلانیت ابزاری» ما جای خود را به «احساس معنایی» می‌دهد بنابراین مشکل ما این است که در فضای کنونی سرمایه‌دارهای ایرانی چه در داخل و چه در خارج برخوردشان بیشتر احساسی و معنایی است تا عقلانی. مشکل ما اکنون اینجاست که سرمایه‌ها به جایی می‌روند که معنادار باشند. چون از ریسک به نااطمینانی رسیدیم.

مولف کتاب «بازار یا نابازار؟» که این اثرش بهترین کتاب دانشگاهی در سال ۱۳۷۶ شده است، در جمع‌بندی سخنانش در مورد موانع سرمایه‌گذاری در ایران گفت: امروز مساله ما در حوزه سرمایه‌گذاری، جرایم سفیدی است که هزینه مبادله به وجود می‌آورند و آنقدر این هزینه مبادله‌ها افزایش پیدا کرده‌اند که ریسک به نااطمینانی رسیده و عقلانیت ما را از ابزاری به معنایی تبدیل کرده است. او نتیجه گرفت که بر این اساس می‌توان گفت جرایم سفید چشم اسفندیار اقتصاد ایران هستند. وی در پایان متذکر شد که بخشی از جرایم سفید ملی است و کسی جز مقامات ارشد نمی‌توانند در این مورد اقدامی کنند اما بخشی دیگر در سطح منطقه‌ای قابل مدیریت است که مقامات محلی می‌توانند در این مورد اقداماتی انجام دهند.●